



## بازسازی پل فروریخته؟

روابط ایران و عربستان پرتنش است اما طرفین پالس‌های مثبتی نیز برای دیگری ارسال کرده‌اند

□ **مهراوه خوارزمی/** فروریختن پل متزلزل روابط تهران-ریاض در دی ماه سال ۱۳۹۴ میراثی بود که از ناحیه حمله برخی گروه‌های معترض خودسر به سفارت عربستان برای دیپلماسی ایران در منطقه خلیج فارس به جای ماند و اینک در آخرین روزهای سال ۱۳۹۵ به نظری رسید تمایل دوسویه‌ای برای ترمیم و بازسازی این رابطه فراهم آمده است. این در حالی است که دوقطبی پدید آمده و تشدید شده میان ایران و عربستان در یک دهه اخیر خود را بر حوزه گسترده‌ای از روابط خارجی و مسائل منطقه‌ای تحمیل کرده است. واقعیتی که مرور برخی ابعاد آن نشان دهنده چرایی سهل و ممتنع بودن روند بازگشت این رابطه دست کم به وضعیتی است که پیش از او جگرگیری تنش‌ها وجود داشت.

### روی موج افراطی‌گری

رابطه ایران با عربستان و به تبع آن با اغلب کشورهای عربی که در قالب شورای همکاری خلیج فارس یا به طور گسترده‌تر در اتحادیه عرب تحت نفوذ ریاض قرار دارند؛ در کمتر دوره‌ای به عنوان رابطه‌ای نزدیک ارزیابی شده است. با این حال پیژه در سال‌های پس از انقلاب وجود دشمن مشترکی به نام رژیم اسرائیل و نیز حلقه وصلی به نام سازمان همکاری‌های اسلامی سبب می‌شد تا تنش‌های پدید آمده از طریق تأسی به ابتکارات فردی نخبگان سیاسی کمی سریع‌تر در مسیر بهبود و کاهش قرار گیرد. واقعیتی که متأسفانه با تغییر در برد تأثیرگذاری هر دو عامل پیش گفته در برابر تنش‌های سال‌های اخیر چندان کارگر نماند. همین شد که حمله نیروهای خودسر به اماکن دیپلماتیک عربستان در تهران و مشهد به سرعت تبدیل به موجی شد که ریاض سوار بر آن نه تنها روابط دیپلماتیک خود با تهران را قطع کرد که با بهره‌گیری از شیوه تهدید و تطمیع در صدد تشکیل جبهه‌ای متحد علیه ایران برآمد. سیاستی که در مورد تعدادی از کشورهای کم توان منطقه کارگر افتاد و سیاست خارجی کشورهای مستقل تر نیز از تأثیرات خود بی نصیب نگذاشت. برگزاری دادگاه‌های عاصری که حمله به سفارت عربستان سعودی را سازماندهی و اجرا کرده بودند در تیرماه سال ۹۵ گرچه تأییدی بر خودسرانه بودن آن اقدام و عزم قاطع حاکمیت جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با چنین اقداماتی بود، اما بخش‌هایی از اعتراضات نشان داد که چگونه افراط‌گری در یک سو به اعدام روحانی مسالمت‌جویی چون «النمر» می‌انجامد و در سمتی دیگر با تحریک احساسات و تعصبان جوانان زمینه‌ی بی‌اعتنایی به قوانین و تعهدات بین‌المللی و زیرپانهادن منافع ملی را فراهم می‌کند.

### تلاش برای غیریت‌سازی

برخلاف دولت ایران که سعی کرد با محکوم کردن آنچه رخ داده بود تنش ایجاد شده را فرو نماند، دولت‌مردان ریاض از این فرصت برای غیریت‌سازی و تشدید تقابل با ایران بهره بردند. روندی که بخشی از آن در همان روزهای نخست با ترغیب و واداشتن برخی کشورهای حوزه نفوذ به قطع یا کاهش رابطه با ایران آغاز شد و در ادامه با ترتیب دادن نشست‌های فوق‌العاده در مجامعی نظیر شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی و تهیه بیانیه‌های تند و تیز علیه ایران ادامه یافت. بیانیه‌هایی که در آنها ضمن محکوم کردن ماجرای سفارت عربستان، ادعای دخالت ایران در امور کشورهای منطقه مطرح می‌شد و کار را به آنجا رساند که برخی مقامات ایران ضمن ابراز تأسف از تبدیل شدن

نهاد بین‌المللی چون سازمان همکاری اسلامی به ابزاری در دست برخی کشورهای عضو از احتمال خروج جمهوری اسلامی ایران از این سازمان در صورت ادامه یافتن این رویه سخن گفتند. عربستان در راستای غیریت‌سازی با ایران حتی از اقدامی چون حضور برخی مقاماتش در نشست سالانه گروه تروویستی موسوم به «سازمان مجاهدین خلق» نیز دریغ نداشت.

بسیاری از کارشناسان در تحلیل چرایی این تلاش دولت سعودی برای تقویت بردارهای تنش با ایران به عواملی چون فراقلمی جانش‌های درونی عربستان و پیرنگ شدن شکاف‌های اجتماعی، اقتصادی و مذهبی در این کشور و نیز جبران ناکامی‌شان در رقابت با ایران از جهت توسعه حوزه نفوذ و نیز تأثیرگذاری در مسائل منطقه‌ای اشاره داشتند. برخی نیز معتقد بودند که هیأت حاکمه‌ای که پس از درگذشت ملک عبدالله و با جانشینی ملک سلمان روی کار آمده‌اند، مجموعه‌ای تازه کار و کم‌تجربه‌اند و همین تازه‌کاری سبب اشتباهات راهبردی‌شان در تعیین جهت‌گیری سیاست خارجی ریاض شده است.

### رودر رویی‌های پنهان

تفاوت رویکرد ایران و عربستان درباره مسائل منطقه کار را به آنجا رساند که برخی رسانه‌ها مدعی جنگ نیابتی دو کشور در منطقه شدند. خاصه آنکه ریاض به کرات ادعای دخالت ایران در مسائل داخلی کشورهای منطقه از جمله بحرین، یمن، سوریه و عراق را مطرح می‌کرد و این در حالی بود که خود به بهانه حمایت از دولت مستعفی و متواری یمن، در رأس ائتلاف عربی به این کشور حمله کرده و شهرهای یمن را هدف بمباران هواپیماهای جنگنده قرار داده بود.

اعتراض ریاض درباره نقش آفرینی ایران در سوریه و عراق نیز در حالی بود که بسیاری از ناظران نقش عربستان در حمایت از گروه‌های تکفیری و تروویستی فعال در این دو کشور را غیر قابل انکار می‌دانستند. در مقابل نزدیکی فکری جریان‌های اپوزیسیون فعال در بحرین و یمن به ایران و نیز درخواست رسمی دولت‌های قانونی عراق و سوریه از ایران برای حضور مستشاری و نظامی در این دو کشور برای مقابله با جریان‌های تروریستی بر وجه افتراق ایران و عربستان در منطقه می‌افزود. اما زنگ خطر روند کاهشی نفوذ عربستان در منطقه زمانی به صدا درآمد که مقامات دیپلماتیک قاهره به عنوان کشوری که پس از انقلاب مصر بویژه پس از کودتا علیه دولت محمد مرسی تحت وابستگی سیاسی و اقتصادی به ریاض قرار گرفت، نشانه‌هایی مبنی بر خواست بهبود رابطه با ایران ارسال کردند. دیدار «سامح شکری» وزیر خارجه مصر با همتای ایرانی‌اش در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل و مدتی بعد اصرار ایران برای حضور مصر در مذاکرات صلح سوریه در حالی که مصر از همراهی عربستان در مخالفت با فشار اسد، رئیس جمهوری سوریه عدول کرده بود، از جمله اتفاقاتی بود که حتی با واکنش منفی و عیان ریاض مواجه شد. تا آنجا که مقامات سعودی در تماس با رئیس جمهوری مصر، ناخشنودی خود از علاقه مصر به نزدیکی با ایران را اعلام کرده و قاهره را به قطع کمک‌های خود تهدید کردند.

### ضرورتی به نام گفت و گو

با وجود چنین پیشینه‌ای، همان قدر که عوامل و دلایل برای

بلاگرفتن رقابت میان دو کشور صاحب نفوذ منطقه وجود داشت، برخی واقعیت‌ها و نگرانی‌ها سبب شد ززمه‌هایی پیرامون حرکت به سمت گفت‌وگو و وحل اختلافات به گوش برسد.

به ریاست جمهوری رسیدن ترامپ در آمریکا به عنوان کسی که در دوران تبلیغات انتخاباتی خود به هزینه‌های واشنگتن برای حمایت از ریاض و دیگر حکومت‌های منطقه شدیدترین انتقادات را مطرح کرد و رویکرد دولتش درباره خاورمیانه هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، اکثریت یافتن نسبی رویکرد ایران در مورد بحران سوریه و نقش پررنگ ایران در ترتیبات سیاسی اتخاذ شده برای حل بحران سوریه از یک سو و ناکامی عربستان در سامان دادن به وضعیت جنگ با یمن پس از دو سال تا آنجا که به دعوت از فرمانده سابق نیروی زمینی پاکستان برای در دست گرفتن سکان این جنگ ناچار شده است و در نهایت پیشی گرفتن هزینه‌های عربستان و کشورهای همپیمان‌اش بر فواید معدودی که از تقابل‌گرایی در برابر ایران نصیب‌شان می‌شد، از جمله دلایلی است که گفت‌وگو برای تغییر در مناسبات منطقه‌ای را ضروری ساخت؛ ضرورتی که تبعات تنش‌های موجود فرصت اقدام فوری را از آن سلب می‌کرد.

در عوض ارسال نشانه‌های مثبتی چون انعطاف نشان دادن در برابر خواسته‌های نفتی ایران در اوپک و قانع شدن به اینکه علی‌رغم حکم اوپک به کاهش سقف تولید اعضا، ایران استثنای این قاعده باشد و تولیدش را به سقف پیش از تحریم‌ها برساند در کنار اقدام به ارسال دعوتنامه حضور ایران در مناسک حج از جمله اقداماتی بود که به عنوان تغییر نسبی ذائقه حاکم بر روابط انجام شد.

### ابتکار منطقه‌ای ایران

در برابر رویه غیریت‌ساز عربستان، ایران از آغاز اوج‌گیری اختلافات بر این رویکرد اصولی خود ناکید کرد که رابطه با همسایگان در زمره اولویت‌های سیاست خارجی ایران است و بویژه با در نظر گرفتن شرایط حاکم بر منطقه ایران تمایلی به تشدید اختلافات بوجود آمده ندارد. چنین بود که اگر چه دستگاه دیپلماسی ایران در قالب بیان حقایق و رد اتهامات ادعایی طرح شده اقدامات جبهه مقابل را بی‌پاسخ نمی‌گذاشت اما در مجموع، سیاستی مبتنی بر صبر و حزم را پیشه داشت. این در حالی بود که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همزمان از فرصت تغییر فضای برآمده از دوران پسا برجام به خوبی در راستای توسعه روابط منطقه‌ای و فرمان منطقه‌ای بهره جست و در عرصه بین‌الملل فعال تر از همیشه ظاهر شد. موقعیتی که برای رقیب به معنای بی‌فایده بودن هزینه قطع رابطه بود. اینچنین شد که در روزهای نخستین ماه بهمن حدود یک سال پس از قطع رابطه برخی از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با ایران، وزیر خارجه کویت نامه امیر کویت را به ایران آورد. نامه‌ای که محتوای آن پیشنهاد آغاز گفت‌وگو و ایرانی-عربی و مذاکره برای برطرف کردن اختلافات بود.

ابتکار منطقه‌ای سیاست خارجی دولت یازدهم زمانی خود را به درستی نشان داد که تنها سه هفته پس از ارسال این نامه رئیس جمهوری ایران با پذیرش دعوت مقامات عالی عمان و کویت روی گشاده تهران را برای آغاز این روند آشکار کرد. روندی که با توجه به تعدد موضوعات متعارض و احتمال بالای وجود تحریکات مخرب فرمان منطقه‌ای، سهل و ممتنع است اما غیر ممکن نیست.